

«معرفی مدل‌هایی برای برنامه

ریزی فرهنگی»

دکتر محمد مهدی مظاهری^۱

دکتر اسماعیل کاوسی^۲

فرزانه چاوش باشی^۳

از صفحه ۳۵- ۵۴

تاریخ ارائه: ۸۷/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۲۵

چکیده:

اگر بپذیریم که فرهنگ زیر بنای جامعه است و چنانچه هدف از فعالیت‌های فرهنگی و توسعه فرهنگی در یک جامعه را تغییر در رفتار یا رفتارهایی از جامعه بدانیم؛ این پذیرش، دست اندرکاران را بر آن می‌دارد که برای دستیابی به اهداف خود برنامه ریزی در حوزه فرهنگ را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهند. بنابراین در نخستین گام باید مشخص کنند که کدام رفتار یا رفتارها باید دستخوش تغییر قرار گیرند، و رفتار مطلوب چه مشخصه‌هایی دارد. پس از آن برای رسیدن به هدف تعیین شده سلسله فرآیندهای مورد نیاز را طراحی و اجرا کنند. برنامه ریزی مهمترین وظیفه هر مدیر و یا سازمانی است که با منابع محدود سعی در نیل به اهداف مشخص دارد. در ادبیات مربوط به برنامه ریزی اصطلاحاتی همچون، برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی، مفاهیمی جاافتاده و رایج هستند. ولی برنامه ریزی فرهنگی، اصطلاحی است که اگرچه در برخی از کشورهای پیشرفته سالیان درازی است که مدنظر برنامه ریزان قرار گرفته

۱- استاد دانشگاه.

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۳- هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.



است و از دهه ۱۹۹۰ بسیاری از شهرهای اروپا در موقعیتهای مختلف برنامه‌ریزی فرهنگی را به عنوان ابزاری برای توسعه شهرهای قدیمی، تاسیس شهرهای جدید با تمرکز در شهرها، بازارها و پیرامون شهرها در جهت توسعه سرمایه اجتماعی و توسعه محیط‌های خلاق بکار گرفتند. ولیکن برنامه ریزی فرهنگی در کشور ما سابقه چندانی ندارد و مروری به جایگاه بخش فرهنگ در چند برنامه کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اجرا شده است، صحت این ادعا را کاملاً روشن می‌کند. لذا با توجه به اهمیت برنامه ریزی، به ویژه در حوزه فرهنگی در این مقاله به معرفی برخی از مدل‌های برنامه ریزی فرهنگی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی فرهنگی، مدل‌های برنامه‌ریزی فرهنگی

مقدمه:

از دیرباز درباره نسبت و رابطه میان برنامه ریزی و فرهنگ دو رویکرد کلان وجود داشته است. برابر رویکرد اول فرهنگ دارای ساختار ویژه‌ای است که دگرگونیها و تغییرات آن کاملاً تابع ساز و کارهای درونی و تاریخی اش می‌باشد و به هیچ رو نمی‌توان از بیرون و مطابق طرح و برنامه‌ای خاص تغییرات پیش‌بینی شده‌ای را در آن پدید آورد. اما رویکرد دوم فرهنگ را همان سایر پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌کند و امکان برنامه ریزی در این زمینه را میسر، و تا حد زیادی ضروری می‌انگارد. ظاهراً تجارب بشر در زمینه تغییر فرهنگی که طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفت، تا حد زیادی صاحب‌نظران را متقاعد کرده است که می‌توان با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های معین به دگرگونی‌های مطلوبی در حوزه فرهنگی دست یافت. از سوی دیگر وجود قرائن و شواهد فراوان در دهه اخیر مؤید این واقعیت است که برنامه‌ریزان و کارگزاران فرهنگی کشور نیز رویکرد دوم را درباره رابطه میان برنامه‌ریزی و فرهنگ پذیرفته‌اند و با تدوین متن سیاست فرهنگی در دو برنامه اول و دوم توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور گام‌های عملی را در این راه نیز برداشته‌اند. موضوع سخن با عنایت به مقدماتی



که ذکر آن رفت، بیشتر معطوف به گام‌هایی اساسی است که در زمینه برنامه‌ریزی در فرهنگ وجود دارد. (اکبری، ۱۳۷۹: ۱). شناخت مقوله فرهنگ و گرایش‌های فرهنگی، نقاط ضعف فرهنگی، ترسیم حد مطلوب فرهنگ، تنقیح قوانین و مقررات فرهنگی موجود و احیاناً اصلاح آنها یا تدوین قوانین فرهنگی جدید، پای‌بندی کامل و دقیق به مقررات قانونی فرهنگی، بازنگری در قوانین موجود فرهنگی از نظر قطعیت اجرا و حتمیت ضمانت اجرا، از اقدامات اساسی و مهمی است که به منظور حراست از هویت فرهنگ ملی و دینی کشور ضروری می‌نماید. به خصوص اینکه امروزه بحث تنوع فرهنگی به صورت جدی در تمام محافل علمی و سیاست‌گذار جهان مطرح شده و بسیاری از سازمان‌های جهانی از جمله یونسکو این بحث را مورد دقت وافر قرار داده‌اند.

از همین روی مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی ضروری می‌نماید؛ یعنی برنامه‌ای منسجم که کلیه دستگاه‌های فرهنگی بتوانند با استفاده از آن برنامه در سطح خرد و کلان، منطقه‌ای، ملی و فرا ملی، منسجم و یکپارچه عمل کنند. (شکیبا نیا، ۱۳۸۵).

تعریف برنامه ریزی فرهنگی

منظور از برنامه‌ریزی، مداخلات هدفمند و آگاهانه انسانی در سیر حوادث و فرآیندهاست، که نتیجه آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد یا نباشد، یا کم و بیش موفقیت‌آمیز باشد و یا اصلاً موفقیت‌آمیز نباشد. خوب، اگر نتایج موفقیت‌آمیز باشد، یعنی حوادث و فرآیندها عیناً همانند آنچه در برنامه تصور آنها رفته، در عالم واقع بازتولید شوند، در این صورت می‌توان به این مجموعه از حوادث و فرآیندهای بازتولید شده مفهوم «برنامه‌ریزی شده» را اطلاق کرد. پس منظور از مفهوم «برنامه‌ریزی شده»، آن دسته از حوادث و فرآیندهایی است که توسط مداخلات آگاهانه انسانی شکل گرفته و در واقعیت بازتولید شده‌اند. (چلبی، ۱۳۸۱، ص)

برنامه‌ریزی فرهنگی می‌تواند جهت بالابردن نظام‌مندی عرصه‌های نرم‌افزاری جامعه نقش نسبتاً کلیدی ایفا نماید که این خود می‌تواند بسترسازی فرهنگی مناسبی



برای عرصه‌های سخت‌افزاری جامعه مثل سیاست و اقتصاد فراهم نماید. (چلبی، ۱۳۸۱، ص ۱).

از نظرهاگن^۱، برنامه ریزی عبارت است از "گامیابی در برابر بحران در هر واقعیتی از زندگی‌مان" و برنامه ریزی فرهنگی فرصتی برای جامعه بوجود می‌آورد که بتواند نقشه راه منحصر به فردی را برای نیازها، امیال و استراتژیها ایجاد نمایند و بواسطه برنامه ریزی استراتژیک دولتهای محلی و گروههای هنری می‌توانند با کارجمعی برای یکپارچگی و انسجام فرهنگ و هنر در اجتماع گام بردارند. (هاگن، ۲۰۰۸: ۱).

برنامه ریزی فرهنگی واژه نسبتاً جدیدی است، که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اروپا بوجود آمد، به نحوی که صورتبندی شهرها از نظر جغرافیایی و اقتصادی تغییر یافته بود و در راستای استراتژی احیای بخشی از شهرهای اروپا، برنامه ریزی فرهنگی، هنرها را در بطن فرهنگ محلی و در داخل شهرها و بر اساس پایه هایی از زندگی روزانه شهری، منسجم کرده بود. امروزه کلیه جوامع، فعالیت در برنامه ریزی و توسعه فرهنگی را بطور جدی توصیه می‌کنند. (شبکه آرمان شهرگرای کانادا، ۲۰۰۸: ۱).

برنامه ریزی فرهنگی فرآیندی است شامل: مشاوره و تصمیم گیری جمعی، که کمک می‌کند دولت محلی منابع فرهنگی و ایده های استراتژیک را در مورد اینکه چگونه این منابع می‌تواند به یک اجتماع برای رسیدن به اهداف شهری آن یاری رساند، شناسایی نماید و همچنین یک رویکرد استراتژیک است که بطور مستقیم و غیر مستقیم منابع فرهنگی جامعه را در جهت دامنه وسیعی از فعالیتهای برنامه ریزی دولت محلی منسجم می‌کند. (همان، ۱).

1. Hagen

۲. The Crative City Network Canada (CCNC).

CCNC سازمان غیرانتفاعی است که فعالیتهای زیر را انجام می‌دهد: ۱-سهیم شدن در دانش، تحقیق و بررسی، آموزش عمومی، توسعه حرفه ای منابع در زمینه توسعه سیاستهای فرهنگ محلی، برنامه ریزی و بکارگیری آنها و...



بین نظریه پردازان حوزه فرهنگ سه نوع رویکرد به برنامه ریزی فرهنگی وجود دارد؛ دسته اول موافقان برنامه ریزی فرهنگی اند؛ دسته دوم مخالفان؛ و دسته دیگر کسانی اند که به نظریه حد واسطی معتقدند. پارسونز، یکی از مخالفان برنامه ریزی فرهنگی است. در دیدگاه مقابل، افراد و جوامعی قرار دارند که رها کردن فرهنگ به حال خود و عدم برنامه ریزی برای آن را به نفع جامعه ندانسته و با تدوین برنامه های خرد و کلان سعی در اصلاح و هدایت امور در این حوزه دارند. اما در این میان جریان حد واسطی نیز در دنیا وجود دارد که اگرچه معتقد به عدم دخالت و برنامه ریزی در حوزه نظام های ارزشی و اعتقادی فرهنگ ها هستند ولی برنامه ریزی برای تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی را عقلانی و موجه می داند. از نظر این گروه از آنجا که تولیدات فرهنگی دارای ابعاد ارزشی هستند قابل تقلیل به تولیدات اقتصادی نیستند، ولی از آنجا که مادیت داشته و در بازار، رفتار «شبه کالایی» از خود بروز می دهند مستقل از نظام های ارزشی فرهنگ ها هستند. این دیدگاه «دیدگاه صنعت فرهنگ» نامیده می شود. (شکیبا نیا، ۱۳۸۵).

انواع برنامه ریزی فرهنگی

برنامه ریزی فرهنگی دارای انواع مختلفی است و اشکال گوناگونی دارد. بطور مثال، برنامه ریزی فرهنگی برحسب سرمشق های اساسی موجود به صور مختلفی طبقه بندی می شود. وجود سرمشق های آرمان شهرگرا، واقع گرا، راهبردی و توسعه گرا منشأ پیدایش انواعی از برنامه ریزی های فرهنگی شده است. از سوی دیگر، می توان براساس میزان فراگیری و پیوستگی برنامه ریزی های فرهنگی به صورت بندی دیگری در زمینه طبقه بندی انواع برنامه ریزی فرهنگی دست یافت. براساس مورد اخیر به دو نوع برنامه ریزی فرهنگی گسسته و پیوسته می توان اشاره کرد. برنامه ریزی گسسته به نوع خاصی از برنامه ریزی فرهنگی اطلاق می شود که برنامه ریزان در هر حوزه بطور مستقل و جداگانه مبادرت به برنامه ریزی می کنند و لذا میان بخش های مختلف آن ارتباط و



همبستگی ارگانیکی به چشم نمی خورد. از سوی دیگر، در برنامه ریزی فرهنگی پیوسته، برنامه ریزان با مدنظر قرار دادن الگوی کلی و نظم اندام‌واره‌ای مبادرت به برنامه ریزی می کنند و در نتیجه حاصل کار برنامه ریزی مجموعه همبسته‌ای از سلسله مفصل‌بندی شده تصمیمات و اقدامات خواهد بود. براساس توضیحاتی که شرح آن رفت، می توان گفت که طی سال‌های یاد شده، از دو نوع برنامه ریزی فرهنگی گسسته و پیوسته باید یاد کرد.

از نظر زمانی سال‌های (۱۳۴۷-۱۳۲۰) را دوره برنامه ریزی فرهنگی گسسته در ایران باید به حساب آورد. در این دوره، برنامه ریزان فرهنگی مبادرت به اخذ تصمیم در حوزه‌های گوناگون فرهنگی کردند. بدون این که اصول سیاست همگنی را مطمح نظر قرار دهند و برپایه الگوی کلانی که نقشه عملیات اجرایی را مشخص کند، رفتار نمایند. قابل ذکر است که علی‌رغم وجود سیاست فرهنگی مکتوب و نظام برنامه ریزی همه‌جانبه، ایدئولوژی فرهنگی حکومت و تسلط گفتمان تجدد، تا حدود زیادی به مجموعه تصمیمات و اقدام غیرهمبسته، جهت‌گیری تقریباً واحدی می‌بخشید و آنها را در راستای نسبتاً یکسانی قرار می‌داد.

از جانب دیگر، در فاصله سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۴۷) برنامه ریزی فرهنگی در قالب برنامه ریزی پیوسته صورت پذیرفت، زیرا در این دوره برنامه ریزی از چهار خصلت اساسی برنامه ریزی پیوسته برخوردار بود. خصلت‌های مورد اشاره عبارتند از: مجموعه همبسته‌ای از تصمیمات آگاهانه و سنجیده، مدل یا الگوی کلان پیشینی، ایجاد تغییرات معین و قابل اندازه‌گیری کمی و ایجاد ابزار و امکانات لازم برای اطلاع از وضعیت عملیات اجرایی در حین اجرا و ارزشیابی عملکرد. (اکبری، ۱۳۸۶)

ضرورت مدل فرهنگی برای برنامه ریزی فرهنگی

برنامه ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است. مدل فرهنگی روشی است که بر مبنای مشخص به برنامه ریز فرهنگی، قابلیت «ارزیابی، امکان



تصمیم‌گیری، قدرت کنترل و تصمیم‌بینه» می‌دهد. ضرورت دستیابی به مدل فرهنگی، به ضرورت عقلی و عینی قابل اثبات است. مدل فرهنگی مبتنی بر مبانی و متناسب با اهداف تنظیم‌گشته است؛ مبنا یعنی پایگاه صحت تناسبات مجموعه و ریشه‌ای که مفسر تغییرات مجموعه است و هدف، یعنی نقطه‌ای که پس از تغییرات مجموعه باید بدان رسید.

رویکرد جدید برنامه‌ریزی فرهنگی پالمر:

رابرت پالمر^۱ برای برنامه‌ریزی فرهنگی رویکرد جدیدی را در ابعاد زیر تعریف می‌نماید:

۱- ارتباط بین سطوح خط مشی و برنامه عملیاتی (برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، توریسم محیطی).

۲- برنامه‌ریزی فرهنگی یک فرآیند برنامه‌ریزی افقی محسوب می‌شود.

۳- نیاز برای تعاریف جامع از فرهنگ

۴- تمرکز فرآیندی بر روی شبکه‌ها، ایجاد ظرفیت و مشارکتها

۵- فرآیندهای نقشه برداری فرهنگی خبره و سطح بالا. (پالمر، ۲۰۰۵: ۳۰)

پایه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از دیدگاه پالمر:

- فرهنگ و خلاقیت نیاز اساسی برای برنامه‌ریزی.
- نیاز به برقراری شرایط خاص در بخش فرهنگی
- توسعه مدل‌های جمعی از رهبری و مدیریت
- پیوند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با برنامه‌ریزی گسترده شهری (همان: ۲۶).

مدل برنامه‌ریزی منابع فرهنگی (برن استین):

ریچارد آ. برن استین^۲ براساس مطالعاتی که در جامعه تاریخی ویسکانسین (WHS)^۳

به استناد قانون جدیدی که در سال ۱۹۹۹ مبنی بر پیوستن ویسکانسین به "جنش

1. Robert Palmer
2. Richard.A.Bernstein
3. Wisconsin Historical society



برنامه ریزی گسترده رشد کشور" به وقوع پیوست مقاله خود را تحت عنوان "راهنمای رشد مناسب و برنامه ریزی منابع فرهنگی"^۱، و یسکانسین جهت فرصتهای منحصر به فرد، برای انسجام حفاظت از منابع فرهنگی در داخل فرآیند برنامه ریزی گسترده تر معرفی کرد. این برنامه گسترده که شامل تهیه و تدوین اهداف کلی و جزئی، خط مشی‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌هایی جهت حفاظت و ترویج مدیریت کارآمد منابع تاریخی و فرهنگی می‌باشد. منابع فرهنگی، ساختمانهای تاریخی، ساختارهای قدیمی و مکانهای باستانی را در بر می‌گیرد. (برن استین، ۲۰۰۴: ۵)

وی دلایل ایجاد بخش منابع فرهنگی در برنامه جامع را به شرح زیر مطرح می‌نماید:

- قرار دادن اهداف کلی و جزئی حفاظت و نگهداری از منابع تاریخی در جامعه.
- آموزش و اطلاع رسانی همگانی
- اطمینان یافتن از سازگاری و هماهنگی و یا حذف ناسازگاری در میان سیاستهای گوناگون و متنوع دولت محلی.
- قوانین یکپارچه و کلی برای انتخاب اصول حفاظت تاریخی جدید و یا تقویت اصول حفاظتی موجود.
- ایجاد برنامه کاری جهت حفاظت و نگهداری فعالیتهای آینده و ایجاد یک راه و مسیر جدید جهت اندازه گیری پیشرفت.

طرح مدل برای بخش منابع فرهنگی:

- ۱- تدوین اهداف کلی و جزئی برای حفاظت از منابع تاریخی.
- ۲- تعریف شخصیت تاریخی جامعه.
- ۳- خلاصه کردن تلاشهای گذشته جهت حفاظت نمودن از شخصیت تاریخی جامعه.



- ۴- نقشه برداری (پیمایش) از منابع تاریخی و باستان‌شناسی برای ایجاد منابع گسترده و روزآمد کردن لیست منابع و شناسایی نیازهای آینده.
- ۵- شرح پایه قانونی برای حفاظت از منابع فرهنگی.
- ۶- بحث در مورد رابطه بین منابع فرهنگی و دیگر قوانین محلی
- ۷- ایجاد مسئولیت پذیری بخش عمومی در جهت منابع فرهنگی.
- ۸- توصیف انگیزه‌ها و مشوق‌هایی که وجود دارند و می‌توانند برای توسعه برنامه حفاظت منابع فرهنگی در دسترس باشند.
- ۹- شناسایی رابطه بین منابع فرهنگی، سیستم تعلیم و تربیت جامعه و اهداف برنامه.
- ۱۰- توسعه برنامه کاری که جدول زمانبندی برای به انجام رساندن اهداف

شناخته شده در برنامه را ایجاد می‌کند. (همان: ۱۲)

هفت گام برای توسعه برنامه منابع فرهنگی (DCRP):

گام اول: سازماندهی تیم حفاظت تاریخی

گام دوم: چشم انداز

گام سوم: اطلاعات موجود در مورد منابع فرهنگی

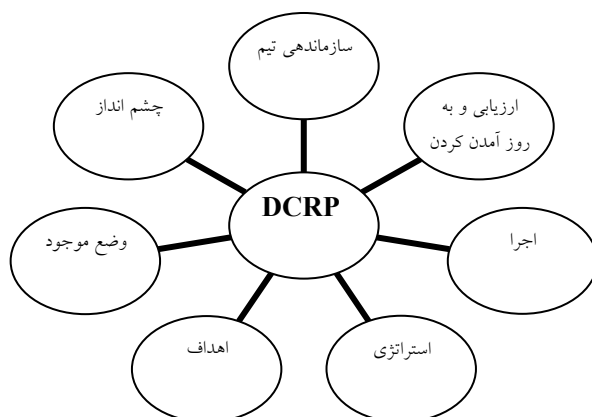
گام چهارم: قرارداد اهداف

گام پنجم: ایجاد استراتژی

گام ششم: اجرا

گام هفتم: ارزیابی و روزآمد کردن (همان: ۱۰) اطلاعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



نمودار شماره ۱: گام های توسعه برنامه منابع

برنامه فرهنگی برودی:

از نظر برودی^۱ شهردار شهر هولروید^۲ یک شهر خلاق در برگیرنده ایده ها و اندیشه های جامعه و ترغیب اعضای آن برای تفکر خلاق است. شهر خلاق پویا، با انرژی، زیرک و نوآور است. برنامه فرهنگی، پتانسیل خلاق جامعه، توانگر کردن و مشارکت مردم جامعه، و زندگی کاری را توسعه می دهد. در راستای هدف رشد و توسعه، نیاز برای سرمایه گذاری در خلاقیت، یادگیری و دانش برای نیروی کار آینده تعلیم و تربیت افراد جوان و... دارای اهمیت فراوانی است.

آماده کردن فرصتها برای تجارت، سازمانها، جامعه، شوراها برای کار گروهی، جامعه محلی را تقویت و کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و نیازهای جامعه برای پرداختن در مسائل برنامه ریزی را شناسایی می کند. برنامه پنجساله در این جهت ما را برای دستیابی به این تعهدات آماده خواهد ساخت.

از نظر وی فرهنگ بخش مهم و اساسی از زندگی است که نشان دهنده هویت ما و شیوه ای است که ما زندگی می کنیم و این که ما چه کسی هستیم را نشان می دهد. در

1. John H Brodie

2. Holroyd

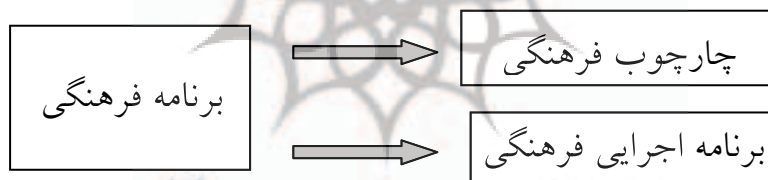


حقیقت فرهنگ ما یک بیانیه و شرح حالی است از اینکه چه کسی هستیم و نشان دهنده‌ی ایده‌ها، اعتقادات و ارزشهای ماست و هویت و انتظارات ما را از آینده منعکس می‌نماید.

شورای شهر هالروید برنامه فرهنگی را برای ایجاد و تقویت فرصتها در جهت ایفای تعهدات برای مشارکت در فرهنگ و افزایش قدرت و جاذبه فرهنگی شهر هالروید توسعه می‌دهد. برنامه فرهنگی به دنبال برنامه سال ۱۹۹۶ برای پنجسال آینده، سالهای ۱۱-۲۰۰۶، تدوین شده است که دارای ساختاری در جهت انسجام خلاقیت، نوآوری، تفکر خلاق و نوآور و مشارکت در فرآیند کاری است. (برودی، ۲۰۰۵: ۱)

این برنامه فرهنگی از دو بخش تشکیل شده است: ۱- چارچوب فرهنگی شامل: مفاهیم، اصول و چشم انداز ۲- برنامه اجرایی فرهنگی که شامل چهار الگو و اهداف آنها در جهت رسیدن به چشم انداز می باشد.

موفقیت به کارگیری این برنامه فرهنگی منافع زیادی را در برخواهد داشت که شامل توازن فرهنگی، تنوع فرهنگی و احترام به فرهنگها، بهبود و ارتقاء مکانهای عمومی، تعامل گروههای اجتماعی، مشارکت فعال در فعالیتهای خلاقانه و فرصتهای بیشتر برای اظهار فرهنگی می باشد. (همان: ۷-۱)



نمودار شماره ۲: انواع برنامه فرهنگی (برودی ۲۰۰۵)

چارچوب فرهنگی (CF):^۱

- چشم انداز
- اصول سیاستهای فرهنگی



چشم انداز: در برگیرنده نوآوری و ایده های جدید برای پایداری و افزایش قدرت و جاذبه فرهنگی است.

اصول سیاستهای فرهنگی:

- شناسایی محل: تقویت آگاهیها، شناسایی محل ها، ارتقاء و حفاظت از مکانها.
- تنوع فرهنگی: افزایش آگاهیها، شناسایی و محترم شمردن برای تنوع فرهنگی و حمایت از فرصتها برای کنش ها و اثرات اجتماعی و منشور فرهنگی.
- مشارکت و همکاری: ترغیب مشارکت فعال جمعی در ابتکارات فرهنگی و ترغیب همکاری فعال بین جامعه، شورا، تجارت، و سازمانها برای پرورش ابتکارات فرهنگی.
- دستیابی و برابری: حمایت و بهبود دستیابی و برابری و انصاف برای جامعه جهت مشارکت در ابتکارات فرهنگی که سلامت و تندرستی را حمایت می کند. که این دستیابی ها شامل مکانها، فعالیتها، حوادث، رویدادها و پروژه ها می باشد.
- مدافعه و رهبری: مدافعه فعالانه برای پیشرفت و توسعه ابتکارات فرهنگی و ایجاد یک نقش رهبری در ترغیب جامعه برای متعهد شدن در ابتکارات فرهنگی.
- خلاقیت و نوآوری: ترفیع، ترغیب، شناسایی و حمایت توسعه خلاقیت و ابتکارات نوآوری به عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی جامعه.
- ارزش گذاری میراث فرهنگی: حفاظت، حمایت، و ترویج میراث فرهنگی در جامعه.
- ارزش گذاری محیط: جستجو و بررسی برای ارتقاء، حفاظت، و تقویت محیطهای طبیعی و غیر طبیعی (ساختی) که فعالیتهای فرهنگی در جهت انتخاب و پذیرش پایداری اصول رخ می دهند.



- **داراییهای فرهنگی** (اشیاء، زیر بنا، و منابع): شناسایی ارزش داراییهای فرهنگی، تقویت منابع که از فعالیتهای فرهنگی حمایت می‌کند، ارتقاء مکانها برای حمایت از نیازها و فرصتهای مشوق برای بیانیه (منشور) فرهنگی.
- **صنایع خلاق و نوپای اقتصادی**: شناسایی ارزش صنایع خلاق در سطح محلی.

برنامه اجرایی فرهنگی (CAP):¹

برنامه اجرایی فرهنگی شامل چهار الگوی زیر می‌باشد:

۱- خلاقیت:

هدف: ترغیب تفکر خلاق در جامعه، شوراهای سازمانها و حمایت از افراد با استعداد و خلاق.

عقاید و تفکر خلاق، نوآوری، تفکر انتقادی و روشهای حل مساله را تسهیل می‌بخشد.

(۱) توسعه فکر انتخاب شده خلاق.

(۲) ارتقاء و بالا بردن استعدادها و تواناییهای خلاق.

(۳) پرورش و رشد استعداد و تواناییهای خلاق.

(۴) شبیه سازی و افزایش پتانسیل خلاق جامعه در زندگی روزانه.

۲- مردم ما:

هدف: شناسایی و رصد نیازهای فرهنگی مختلف و حمایت از فرصتها برای بیانیه و اظهار فرهنگی.

جوامعی که در خلاقیت و فعالیتهای فرهنگی مشارکت می‌کنند جوامع سالمی هستند به طوری که مشارکت؛ توسعه مهارت، تعامل اجتماعی، انسجام فرهنگی و سرمایه فرهنگی را افزایش می‌دهد.

(۱) ترغیب و تشویق مردم برای مشارکت در ابتکارات فرهنگی.

(۲) تنوع ارزش فرهنگی در جامعه.

1. Cultural Action Plan.



۳) ارتقاء تعلیم و تربیت، یادگیری طولانی مدت و خلاقیت.

۴) پرورش فرآیندهای توسعه فرهنگی جامعه (CCD)^۱ و اصول عدالت اجتماعی، برابری، تساوی حقوق، شیوه های تصمیم گیری و...

۳- همکاری:

هدف: افزایش همکاری با جامعه، شوراها، سازمانهای فرهنگی هنری و غیر هنری برای پیشرفت توسعه ابتکارات فرهنگی.

کارگروهی و جمعی فرصتها را به وجود می آورد.

۱) تقویت همکاری محلی، ناحیه ای، ایالتی و ملی با در نظر گرفتن تنوع

۲) افزایش اشتغال جامعه در توسعه ابتکارات فرهنگی.

۳) انتخاب و اتخاذ فرآیندهای تشریک مساعی و مشارکت و همدستی در فعالیتهای

روزانه.

۴) بهبود در دستیابی به فعالیتهای فرهنگی و تسهیلات و امکانات لازم در این

خصوص.

۴- مکان ما:

هدف: نگهداری و حفاظت از میراث فرهنگی و بهبود مکانها و فضاهایی برای

خلاقیت فرهنگی.

۱) تقویت هویت فرهنگی

۲) حفاظت و تجلیل از میراث فرهنگی

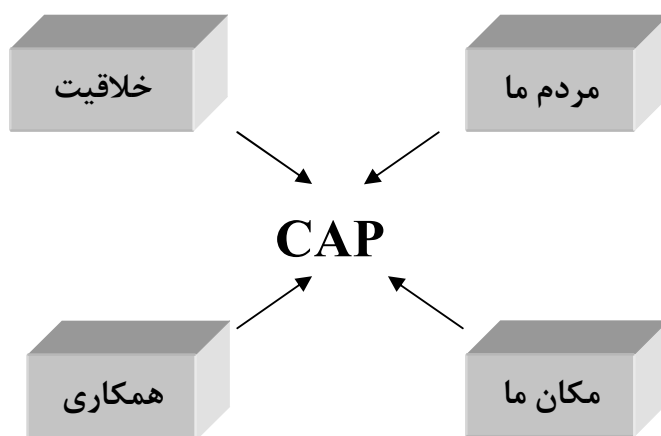
۳) ارائه یک رویکرد استراتژیک و متناسب برای بهبود فرصتهای خلاق مکانهای

اجتماعی و تمرکزهای چند منظوره.

۴) ترفیع و پایداری محیط طبیعی. (برودی، ۲۰۰۵: ۲۵-۱۱)

1. Community Cultural Development (CCD)

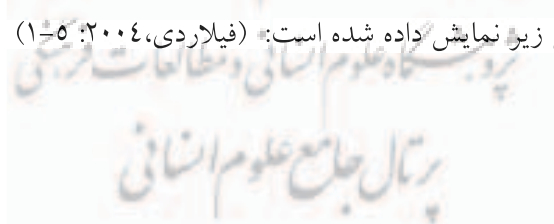
۲- فرآیند توسعه فرهنگی جامعه (CCD)، افراد خلاق را که سازنده و بوجود آورنده ظرفیتهای و پتانسیل های خلاقانه هستند، شناسایی فرهنگ آنها، بهبود ارتباطات اجتماعی، توسعه مهارتها و افزایش آگاهی و اطلاع از فعالیتهای و عملیات فرهنگی را در برمی گیرد.

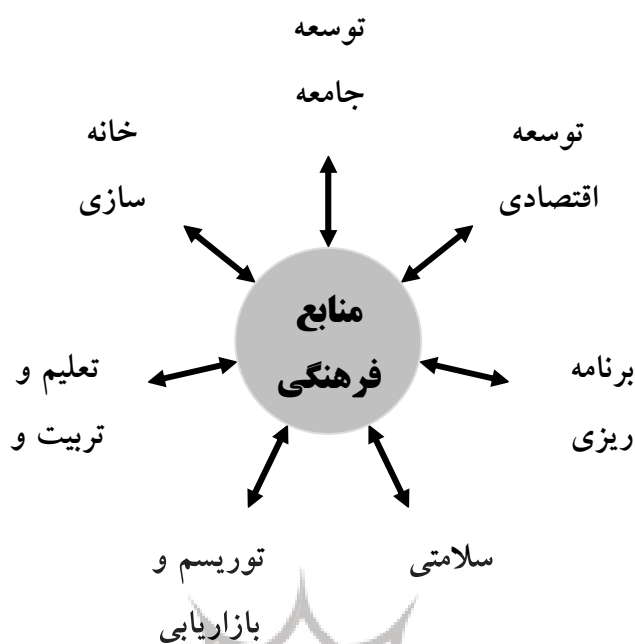


نمودار شماره ۳: گام‌های برنامه اجرایی فرهنگی منبع: برودی، ۲۰۰۵

مدل استراتژی فرهنگی فیلاردی:

فیلاردی، ابتدا قبل از معرفی مدل خود، برنامه ریزی فرهنگی و منابع فرهنگی را تعریف نموده و سپس به معرفی مدل می‌پردازد: از نظر او برنامه ریزی فرهنگی، برنامه ریزی استراتژیک و منسجمی است که بوسیله کاربرد منابع فرهنگی در جهت توسعه شهری و جامعه به کار می‌رود و منابع فرهنگی جذابیتها، قابلیتها و دستیابی به مکانهای عمومی، جاده‌ها، مسیرها و ساختمانها منابع مهمی برای یک مکان محسوب می‌شوند که در جهت دستیابی به برنامه‌های فرهنگی بکار گرفته می‌شوند. رویکرد برنامه ریزی فرهنگی با تمرکز بر روی منابع فرهنگی می‌تواند جنبه‌های مختلفی از توسعه را در برگیرد که در شکل زیر نمایش داده شده است: (فیلاردی، ۲۰۰۴: ۵-۱)





نمودار شماره ۳: رویکردهای برنامه ریزی فرهنگی منبع: فیلاردی، ۲۰۰۴

اجزای کلیدی استراتژیهای برنامه ریزی فرهنگی:

ممیزی فرهنگی (CA):^۱

ممیزی فرهنگی ارزیابی منابع هر مکان را در بر می گیرد. و این از طریق به

کارگیری اقدام بهترین شیوه روشهای کمی و کیفی به انجام می رسد.

ساختار استراتژی (SB):^۲

فرآیندی است در جهت اهداف بلند مدت و کوتاه مدت و لزوماً جامعه محور. (همان: ۶)

روشهای کمی ممیزی فرهنگی:

روشهای کمی پیشینه و تاریخچه منابع فرهنگی و وضعیت موجود و روند آنها را

بررسی می کند و شامل موارد ذیل می باشد:

1. Cultural audit
2. Strategy building



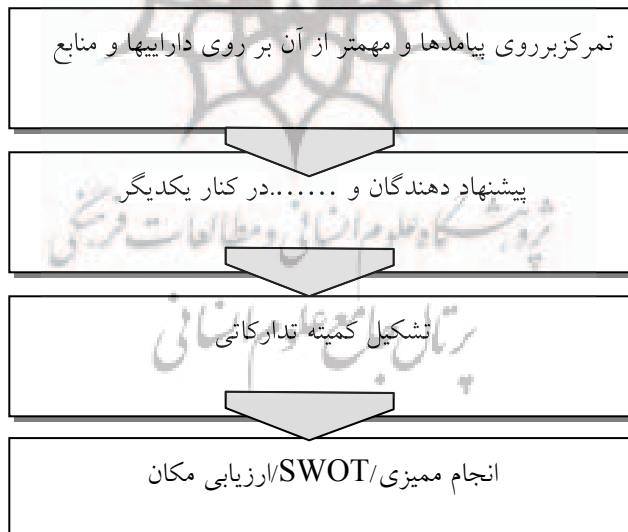
- پیشینه جمعیت
- پیشینه گروه‌های قومی و مهاجر
- پیشینه تجارت و کسب و کار مربوط به هنر
- پیشینه صنایع فرهنگی
- تسهیلات فرهنگی موجود و پیشینه نهادها
- پیشینه میراث فرهنگی طبیعی و ساختگی (غیر طبیعی)
- پیشینه توریسم و فراغت
- پیشینه کیفیت زندگی

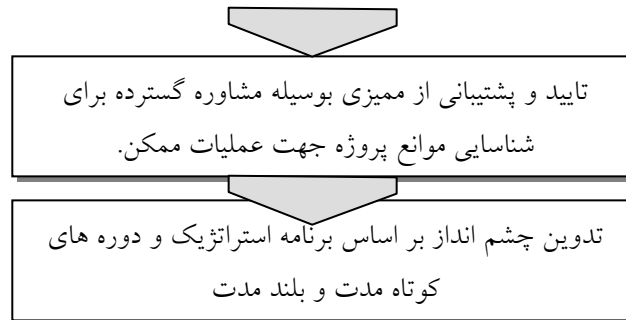
روش‌های کیفی ممیزی فرهنگی:

منابع فرهنگی می‌توانند به وسیله نقشه برداری ادراکی ارزیابی شوند که این موارد شامل:

- روح و جان مکان و فضا
- فکر و ذهن‌های فرهنگی
- محصولات مصنوعی (ساختگی) و پیام آنها
- دستیابی و موانع و حصار دستیابی
- گروه بندی‌های فرهنگی (همان، ۷-۶)

گام‌های کلیدی ساختار استراتژی:





نمودار شماره ۴: ساختار استراتژی (منبع: فیلاردی، ۲۰۰۴)

همانگونه که در مدل استراتژی فرهنگی فیلاردی ملاحظه نمودید پس از انجام ممیزی فرهنگی به روشهای کمی و کیفی گام های کلیدی و اساسی ساختار استراتژی در نمودار شماره (۴) ارائه گردیده است. در این مدل در گام نخست بر روی پیا مدها و دارایی ها و منابع، تمرکز صورت پذیرفته و سپس در گام بعدی پیشنهاددهندگان بایستی با روحیه جمعی و مشارکت جویانه در کنار یکدیگر قرار گرفته تا در سایه ی آن امکان تشکیل کمیته تدارکاتی (گام سوم) مهیا گردد. پس از تشکیل کمیته تدارکاتی ممیزی ارزیابی مکان از طریق SWOT صورت می گیرد. در گام پنجم از مدل پیشنهادی فیلاردی، پروژه های طراحی شده به نظر عموم رسیده تا به وسیله ارزیابی آنها مشاوره مفیدی صورت پذیرفته و موانع پیشاروی اجرایی شدن پروژه مورد نظر شناسایی گردیده، تا اینکه عملیاتی نمودن آن نیز ممکن گردد. در گام آخر بر اساس برنامه استراتژیک چشم انداز مناسب برای دوره های کوتاه مدت و بلند مدت زمانی تدوین و ارائه خواهد شد.

جمع بندی و نتیجه گیری

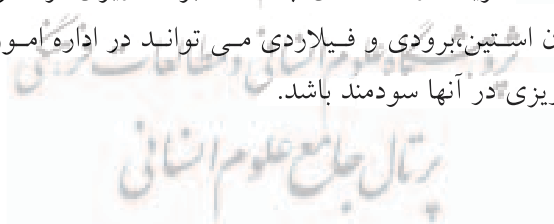
برنامه ریزی مهم ترین و اساسی ترین وظیفه مدیران هر یک از سازمان ها می باشد که بایستی با در دست داشتن منابع محدود در راستای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده اقدام نمایند. اهمیت فرهنگ و توسعه فرهنگی در جهت رسیدن به توسعه پایدار، دست اندرکاران اداره امور در هر کشوری را بر آن داشته است که برنامه ریزی در حوزه ی فرهنگ را در سر لوحه کار خود قرار دهند. بنابراین برای عملی شدن این مهم،



چاره‌ای وجود ندارد مگر آنکه متخصصان امر در صدد طراحی و ارائه مدل‌ها و الگوهای کاربردی جهت مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگ برآیند. از آنجا که روح حاکم بر این مقاله، فرهنگ را همانند سایر پدیده‌های اجتماعی قلمداد نموده و امکان برنامه‌ریزی در این زمینه را نه تنها میسر، بلکه تا حدود زیادی ضروری می‌انگارد، و ضمن ارائه تعاریفی از برنامه‌ریزی فرهنگی، مدل‌های متفاوتی را جهت عملی کردن آن ارائه نموده است. همانگونه که می‌دانیم مدل‌های ارائه شده در جوامع غربی طراحی گردیده و شاید در بعضی موارد از توانمندی لازم جهت به کارگیری در جامعه مذهبی ما برخوردار نباشند.

اما آنچه در این مقاله مدنظر می‌باشد، این است که مفاهیم مطروحه و روشهای ارائه شده تا جایی که بتواند اهداف فرهنگی کلان نظام ما را برآورده نماید، مفید بوده و در صورت امکان در بعضی از موارد نیاز به بازنگری و اصلاح (بومی‌سازی) خواهند داشت. با توجه به این، جا دارد که از روشهای مطلوب معرفی شده در دنیا نهایت استفاده مفید و ممکن به عمل آید.

مدل‌هایی که در این مقاله ارائه گردیده در راستای تبیین این واقعیت می‌باشند که دولتمردان برنامه‌ریزی فرهنگی را به عنوان ابزاری برای توسعه شهرهای قدیمی، تاسیس شهرهای جدید با تمرکز در شهرها، بازارها و نقاط پیرامونی شهرها در جهت رسیدن به توسعه اجتماعی و ایجاد محیط‌های خلاق بکار گرفته‌اند و قطعاً در کشور ما نیز که با پدیده شهرنشینی و توسعه روزافزون آن مواجه می‌باشیم بهره‌برداری از نکات مثبت این برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند در پیشبرد امور ما مثمرتر واقع شده و راهگشای خوبی باشد. هر یک از مدل‌های چندگانه برنامه‌ریزی فرهنگی ارائه شده از قبیل مدل پالمربرن استتین، برودی و فیلاردی می‌تواند در اداره امور سازمان‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی در آنها سودمند باشد.





فهرست منابع:

- ۱) اکبری، محمد علی، «محدودیت‌های برنامه ریزی فرهنگی»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۲۳-۲۲، ۱۳۷۹.
- ۲) شکیبانیا، مهدی، نگرشی بر ابعاد برنامه ریزی مهندسی فرهنگی»، همایش ملی مهندسی فرهنگی، سال ۱۳۸۵.
- ۳) چلبی، مسعود، «برنامه ریزی فرهنگی: عامل تغییر یا ثبات؟» فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۱.
- ۴) اکبری، محمد علی، «برنامه ریزی فرهنگی در ایران ۱»، مرکز تعالی اندیشه و فرهنگ ایران، ۱۳۸۶.

5. Palmer, R(2005), " HOLISTIC CULTURAL PLANNING ", Hong kong, www.palmer-rae.com
6. GHILARDI, L(2004), "CULTURAL STRATEGIES" Copenhagen. www.noema.org.uk.
7. Brodie, John H(2005) , "Cultural Plan: Cultural Vitality in Holroyd City", Mayor's message Acknowledgments.
8. Bernestein, Richard, A(2004) , "A Guide to Smart and Cultural Resource Planning", Wisconsin Historical Society. www.wisconsinhistory.org

